

تحلیل انکار نصوص امامت از سوی برخی نزدیکان اهل بیت

محمد رضا سجادی طلب^۱

چکیده

پشتوانه اعتقاد شیعیان به امامت، احادیث متواتری است که در کتاب‌های معتبر حدیثی شیعه جای گرفته است. برخی با استناد به مخالفت عده‌ای از نزدیکان امامان - علیهم السلام - نتیجه گرفته‌اند که احادیث امامت، سال‌ها پس از حضور پیامبر - صلی الله علیه و آله - و امامان - علیهم السلام -، توسط محدثان شیعی ساخته شده است.

نگارنده در این نوشتار کوشیده است، ابتدا گزارش‌های مخالفت عده‌ای از خاندان و یاران ائمه - علیهم السلام - را آورده، سپس با استفاده از متون تاریخی و روایی، نشان دهد برخی از نزدیکان ائمه - علیهم السلام - که راه مخالفت با امامت ائمه - علیهم السلام - را در پیش گرفتند، با نصوص امامت آشنا بوده‌اند، اما عده‌ای از آنان برای رسیدن به قدرت و ثروت و عده‌ای دیگر با هدف تعجیل در امر قیام دچار انحراف شده‌اند؛ افزون بر آن که مخالفت گروه اندکی از نزدیکان ائمه - علیهم السلام - با امامت آنان، به معنای عدم صدور نصوص امامت نیست. کلید واژه‌ها: نصوص امامت، شرایط امامت، زیدیه، واقفه، فطحیه، دعاوی مهدویت.

درآمد

در منابع حدیثی شیعه، احادیث متواتر و پرشماری در باره امامت گردآوری شده است. بر اساس احادیث یاد شده، امامت دوازده جانشین پیامبر با روایات معتبر و متواتر به اثبات رسیده و پذیرش آن نقش تعیین کننده‌ای در سعادت انسان ایفا می‌کند. بنا بر این، با توجه به اهمیت مسأله امامت و احادیث متواتری که در منابع روایی شیعه گرد

۱. پژوهشگر پژوهشگاه قرآن و حدیث

آوری شده، باید یاران و خاندان ائمه از نصوص امامت با خبر باشند. برخی^۲ با استناد به برخی وقایع تاریخی سه قرن نخست، ادعا کرده‌اند، مسأله امامت برای عده‌ای از خاندان و یاران ائمه ناشناخته بوده، از این رو، نتیجه گرفته‌اند که داستان امامت و گزارش‌های روایی آن، سال‌ها پس از حیات آنان ساخته شده است. برای قضاوت درباره درستی یا نادرستی ادعای فوق ابتدا شماری از گزارش‌های مخالف نزدیکان ائمه با امر امامت آورده می‌شود. پس از آن، پاسخ‌های شبهه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. عدم پذیرش امامت از سوی زید بن علی و یارانش

زید بن علی بن حسین، فرزند امام سجاد - علیه السلام - و برادر امام باقر - علیه السلام - و عموی امام صادق - علیه السلام - است. بر اساس برخی گزارش‌های تاریخی، زید و پیروانش، امامت ائمه را نپذیرفته‌اند.^۳ روگردانی زید و پیروان او از پذیرش امامت، این احتمال را به وجود می‌آورد که شاید احادیث امامت به دست آنان نرسیده است؛ چرا که ممکن است، چنین احادیثی در آن زمان وجود نداشته و سال‌های پس از آن، توسط محدثان شیعی جعل شده است.^۴

۲. ادعای مهدویت محمد بن عبد الله و پذیرش آن از سوی خاندان امامت

در نیمه قرن دوم هجری، محمد بن عبد الله بن حسن بن حسن ادعای مهدویت کرد. پدرش عبد الله بن حسن با تلاش بسیار توانست گروهی از خاندان اهل بیت را با پسرش همراه سازد. ادعای مهدویت محمد بن عبد الله و پذیرش آن از سوی گروهی از خاندان پیامبر، صدور نصوص امامت را به چالش می‌کشاند؛ زیرا اگر پیامبر، بنا بر ادعای شیعیان، جانشینانش را به امت معرفی کرده باشد، باید آنان به امامت امام صادق - علیه السلام - اقرار می‌نمودند و از دستورات او سرپیچی نمی‌کردند.^۵

۲. رک: الامامة والنص، ص ۷۰ - ۳۷۰.

۳. رک: الکافی، ج ۱، ص ۱۷۴، ح ۵ و ص ۳۵۶، ح ۱۶.

۴. رک: الامامة والنص، ص ۱۷۷ - ۱۸۷.

۵. رک: همان، ص ۱۶۷ - ۱۷۳.

۳. ادعای امامت عبد الله افطح و گرویدن برخی از یاران امام صادق - علیه السلام - به او

پس از شهادت امام صادق - علیه السلام - عبد الله بن جعفر - که فرزند بزرگتر امام بود - ادعای امامت کرد.^۶ عده‌ای از یاران امام صادق - علیه السلام - امامت عبد الله را پذیرفتند. دلیل آنان روایتی از امام صادق - علیه السلام - بود که بر اساس آن فرزند بزرگتر امام سابق به مقام امامت می‌رسد.^۷

حال، پرسش این جاست که اگر پیامبر نام یکایک جانشینان را برده است و اگر هر یک از جانشینان پیامبر، جانشین پس از خود را دوباره معرفی کرده‌اند، چرا عبد الله - که در بیت امامت رشد نموده - در مقابل پیامبر و جانشینان آن حضرت ایستاد و ادعای امامت کرد و چرا یاران امام صادق - علیه السلام - که سال‌ها نزد آن بزرگوار تحصیل علم و معرفت نمودند، از دستورات امامشان سرباز زدند و امامت عبد الله را پذیرفتند؟

۴. توقف یاران امام کاظم - علیه السلام - در امامت آن حضرت و عدم پذیرش امامت

امام رضا علیه السلام

یکی از حوادث دردناک در زمان حضور ائمه - علیهم السلام - فتنه واقفه بود. واقفه کسانی بودند که در امامت امام کاظم - علیه السلام - توقف کردند و ولایت امامان پس از آن حضرت را نپذیرفتند. آنان معتقد بودند امام کاظم - علیه السلام - آخرین امام، زنده و همو مهدی موعود است.^۸

توقف، شک و حیرت و کلای امام کاظم - علیه السلام - سبب شده برخی گمان کنند که یاران امام کاظم - علیه السلام - از نصوص امامت بی‌خبر بودند؛ زیرا اگر نصوص امامت به دست آنان رسیده بود، امامت امام رضا - علیه السلام - را می‌پذیرفتند و داستان وقف به وجود نمی‌آمد. ناآگاهی یاران امام کاظم - علیه السلام - در نظر این عده، نشانه فقدان نصوص بر امامت است.^۹

پاسخ شبهه

اساس شبهه فوق، بر نافرمانی عده‌ای از یاران و خاندان ائمه از پذیرش امامت استوار

۶. رک: الإرشاد، ج ۲، ص ۲۱۰.

۷. رک: الکافی، ج ۱، ص ۳۵۱، ح ۷؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۲۱۰.

۸. رک: العیبه للطوسی، ص ۶۴، ح ۶۷ و ص ۶۸، ح ۷۲؛ کمال الدین، ص ۳۹.

۹. رک: الإمامة والنص، ص ۲۱۷ - ۲۲۹.

شده است و این گمان را به وجود آورده که اگر نصوص امامت در آن زمان صادر شده بود، باید یاران و خاندان ائمه از آن آگاه می شدند و امامت آنان را می پذیرفتند. پاسخ کامل به شبهه فوق در گرو بررسی دو مسأله است.

یک. آیا نافرمانی خاندان و یاران ائمه - علیهم السلام - از پذیرش امامت، نشانه عدم صدور نصوص امامت است؟

دو. در صورت پذیرش نصوص امامت، چرا خاندان و یاران پیامبر و جانشینان آن حضرت از پذیرش امامت امام زمانشان سرباز زدند؟

یک. بررسی ارتباط نافرمانی خاندان و یاران ائمه - علیهم السلام - از پذیرش امامت، با صدور نصوص امامت

بر اساس آیات^{۱۰} و روایات^{۱۱} خلقت انسان برای آزمودن اوست. او پای در این جهان نهاده تا در دوراهی های بسیاری که در زندگی با آن رو به رو می شود، در مسیری گام گذارد که خداوند به آن فرمان داده است. او آمده تا پله های ترقی و کمال را با اطاعت از دستورات خداوند یک به یک طی کند و خود را به کمال نهایی برساند.

گذر هزاران ساله تاریخ نشان می دهد که در آزمونگاه بزرگ الهی بسیاری از انسان ها از دستورات خداوند - که توسط پیامبران و اوصیای آنان ارسال شده بود - سرپیچی کردند و امر تبلیغ را با نافرمانی خود، با دشواری های فراوانی رو به رو ساختند. تاریخ روشن و رسا به ما می گوید که حضور در هیچ یک از طبقات جامعه، اعم از فقیر و غنی پادشاه و رعیت و حتی خاندان و نزدیکان پیامبران و اوصیای آنان باعث مصونیت از انحراف نمی شود.

بسیار کسانی بودند که در خانه پیامبر رشد کردند و سایه به سایه او حرکت نمودند، اما در لغزشگاه های امتحان الهی لغزیدند و از آرمان پیامبر فرسنگ ها فاصله گرفتند.^{۱۲} در مقابل نیز کسان دیگری بودند که هیچ گاه پیامبر را ندیدند، اما با آرمان او سینه به سینه حرکت کردند.^{۱۳} بنا بر این، تردیدی نیست که میان فرمان پیامبر و ائمه - علیهم السلام - و

۱۰. رک: سوره ملک، آیه ۲؛ سوره انعام، آیه ۱۶۵.

۱۱. رک: نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴؛ التوحید، ص ۳۲۱، ح ۶؛ انسان شناسی از منظر قرآن و حدیث، ص ۱۲۱.

۱۲. همسر و فرزند نوح، همسر لوط و برخی از اقوام پیامبر مانند ابو لهب از نمونه های قرآنی آن هستند (رک: سوره هود، آیه ۴۳ - ۴۶؛ سوره تحریم، آیه ۱۰؛ سوره مسد، آیه ۱).

۱۳. مانند اویس قرنی که هیچ گاه پیامبر را ندید، اما در امتداد آرمان پیامبر حرکت و زندگی کرد و در رکاب خلیفه او به شهادت رسید (رک: الفضائل، ص ۱۰۷).

اجرای آن از سوی نزدیکان آنان هیچ ملازمه‌ای وجود ندارد؛ افزون بر آن که عدم پذیرش امامت از سوی برخی نزدیکان اهل بیت دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد که یکی از آنها عدم وجود نصوص امامت است. حال، آن که گزارش‌های متواتر روایی در منابع کهن^{۱۴} کهن^{۱۴} و پذیرش آن از سوی بسیاری از یاران ائمه - علیهم السلام - خط بطلان بر این ادعا می‌کشد.

اشتباه بزرگ در بررسی وقایع سه قرن نخست، آن است که تنها مخالفت گروه اندکی از نزدیکان ائمه - علیهم السلام - در کانون توجه قرار گیرد و گزارش‌های پر شمار روایی و پذیرش آن از سوی جمع بسیاری از یاران و خاندان برجسته و سرشناس ائمه به فراموشی سپرده شود.

اشتباه دیگر، آن است که با گزینش گزارش‌های روایی و تاریخی تنها به متونی استناد شود که مخالفت برخی نزدیکان ائمه در آن گزارش شده است؛ حال آن که با مراجعه کامل به گزارش‌های روایی و تاریخی در می‌یابیم که کسانی چون زید بن علی، عبد الله بن حسن، عبد الله افطح و برخی سران وقف با امامت و نصوص آن آشنا بودند، اما به دلایلی با آن به مخالفت برخاستند. ما در ضمن بررسی دلایل مخالفت آنان گزارش‌های مورد اشاره را می‌آوریم.

دو. بررسی علل مخالفت برخی خاندان و یاران ائمه - علیهم السلام - با امر امامت

پس از رحلت پیامبر، تند باد حوادث، امت اسلام را در مسیری خلاف آن چه پیامبر می‌خواست، قرار داد. هر چه زمان می‌گذشت، مسلمانان فاصله بیشتری با سیره و سنت پیامبر پیدا می‌کردند. دلایل مخالفت خاندان و یاران اهل بیت را باید در لا به لای این حوادث جست و جو کرد. آن چه در پی می‌آید، دلایل مرتبط با گزارش‌هایی است که در طرح شبهه به آن اشاره شد.

۱۴. قدیمی‌ترین منابع احادیث امامت در زمان ائمه به نگارش درآمده است. برخی از منابع یاد شده مانند: کتاب سلیم، المحاسن و بصائر الدرجات اکنون در دسترس قرار دارد، اما بسیاری از آنها در جوامع نگارش یافته در قرن چهارم و پنجم جای گرفته و منابع اصلی به مرور زمان از میان رفته است. با این حال، در اسناد احادیث منابع قرن چهارم و پنجم نشانه‌هایی وجود دارد که می‌توان با استفاده از آنها، تعدادی از منابع پیشین را شناسایی نمود (رک: «احادیث اثنا عشر در کتب شیعه از سه قرن نخست»). از این رو، یکی از دلایل رد ادعای «نویسنده» آن است که اگر احادیث امامت ساختگی باشد، باید ائمه - علیهم السلام - به آن هشدار داده و ساختگی بودن آن را اعلام نمایند؛ در حالی که چنین گزارش‌هایی وجود ندارد.

۱. ستیز دستگاه خلافت با سنت پیامبر

پیامبر از آغازین روزهایی که رسالتش را علنی ساخت، در باره وصایت امام علی - علیه السلام - و شایستگی های او سخن گفت و بارها در مناسبت های مختلف آن را تکرار کرد؛ بدان گونه که هیچ تردیدی در آینده سیاسی امت باقی نگذاشت.^{۱۵} افزون بر آن، جانشینان پس از امام علی - علیه السلام - را نیز با نام و نشان کامل به یارانش معرفی نمود.^{۱۶}

حاکمان غاصب چون زمام امور را با نیرنگ به دست گرفتند، برای استوار سازی پایه حکومت کوشیدند تا مانع گسترش اندیشه سیاسی پیامبر شوند. آنان که بقای خود را در دور ساختن مسلمانان از تعالیم و دستورات و سنت پیامبر می دیدند، برای رسیدن به آن اقداماتی را به انجام رساندند.^{۱۷}

أ: تخریب چهره پیامبر

جریان نفاق - که حکومت را به دست گرفته بود - می دانست که شایستگی ندارد تا همانند پیامبر حکومت کند و نمی تواند در مسیر پیامبر حرکت کند. از این رو، تلاش کرد با تخریب چهره پیامبر نا اهلی خود را برای به دست گرفتن حکومت پنهان سازد. آنان پیامبر را مردی معرفی کردند که همچون کودکان رفتار می کرد؛^{۱۸} خشنود می شد، اما خشنودی او سستی و سبکی بود؛ خشم می گرفت، اما خشم او ناتوانی و آشفتگی بود و همگان از او آگاه تر بودند.^{۱۹}

پیامبر را کسی نشان دادند که عایشه را بر شانه های خود می نهاد تا نظاره گر رقص سیاهان باشد؛^{۲۰} او از روی شهوت همسر پسر خوانده خود را می دید و عاشق او می شد و با

۱۵. رک: دانشنامه امیرالمؤمنین، ج ۱، ص ۵۶۶ - ص ۶۳۴ و ج ۲، ص ۱۶ - ۴۴۸.

۱۶. رک: الکافی، ج ۱، ص ۵۲۵، ج ۱ با سند معتبر و ص ۵۲۶، ج ۲ با سند معتبر ص ۵۲۷، ج ۳ با سند معتبر؛ کمال الدین، ص ۲۵۸، ج ۳: الخصال، ص ۴۷۸، ج ۴۶: الغیبة للنعمانی، ص ۶۶، ج ۲ و ص ۶۹، ج ۵: الغیبة للطوسی، ص ۱۳۶، ج ۱۰ و ص ۱۴۳، ج ۱۰۸ و ص ۱۴۷، ج ۱۰۹.

۱۷. شرح اقدامات دستگاه خلافت برای دور ساختن مسلمانان از سیره و سنت پیامبر بر گرفته از کتاب ارزشمند

الصحيح من سيرة النبي الاعظم است

۱۸. رک: الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ص ۱۸.

۱۹. رک: همان، ص ۱۸.

۲۰. رک: مسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۵۶.

او تبانی می‌کرد.^{۲۱} پیامبر کسی بود که ایستاده ادرار می‌کرد^{۲۲} و از شراب انگور می‌خورد.^{۲۳} هدف جریان نفاق از زشت نشان دادن چهره پیامبر نابودی شخصیت بود تا پس از آن بتوانند اساس اسلام را به انحراف بکشاند و مسلمانان را از راه و روش و سنت پیامبر دور سازد.^{۲۴} آنان در اجرای این هدف موفقیت‌هایی نیز به دست آوردند که اولین آن، خانه نشین کردن جانشین پیامبر و دور ساختن امت اسلام از اهل بیت ایشان بود.

ب: منع تدوین حدیث

دستگاه غاصب خلافت که می‌دانست پیامبر بارها جانشین خود را به امت معرفی کرده و درباره شایستگی‌های او سخن گفته، برای رسیدن به قدرت و حکومت و ماندگاری در آن، با تدوین و نگارش حدیث به مبارزه برخاست و از ترویج سخنان پیامبر ممانعت به عمل آورد تا با گذشت زمان سفارش‌های پیامبر از حافظه مردم و جامعه پاک شود و اندیشه سیاسی پیامبر به فراموشی سپرده شود.

ج: پدید آوردن جریان رأی و سپردن فتوا به دست نا اهلان

پیامبر برای روزهای پس از خود نیز اندیشیده بود. آن حضرت مرجعیت سیاسی، علمی و فکری پس از خود را به شایسته‌ترین فرد امت سپرده بود؛ اما نیرنگ بازان عرصه سیاست مانع خلافت و مرجعیت امام علی - علیه السلام - شدند. پس از پیامبر کسانی حکومت را به دست گرفتند که نه آگاهی درستی از دین و معارف آن داشتند و نه اعتقادی به آن. اما امت اسلام انتظار داشت همانند زمان پیامبر برای مرجعیت دینی و فکری چاره‌ای اندیشیده شود. حاکمان غاصب برای حل این مشکل تصمیم گرفتند باب رأی و تأویل را بگشایند و خود و عده‌ای از اشخاص مورد اعتمادشان عهده دار کرسی فتوا و مرجعیت فکری و دینی جامعه شوند. از این رو، مشاهده می‌شود که اشخاصی مانند عایشه، زید بن ثابت، عبد الرحمن بن عوف، ابو هریره و مانند آنان اجازه فتوا یافتند؛ اما اهل بیت پیامبر - که بر اساس سفارش پیامبر در حدیث ثقلین، مرجعیت امت به آنان واگذار شده بود - به حاشیه رانده شدند تا مبادا اندیشه سیاسی پیامبر از طریق آنان برای امت باز گو شود.

۲۱. رک: الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۱۰۱.

۲۲. رک: المصنف لعبد الرزاق، ج ۱، ص ۱۹۳، ح ۷۵۱.

۲۳. رک: همان، ج ۹، ص ۲۲۵، ح ۱۷۰۱۸.

۲۴. رک: الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۱، ص ۲۲.

د: انحراف افکار عمومی از شناخت دین

حاکمان دریافتند اقدامات گذشته برای دور ساختن مردم از شناخت درست دین کافی نیست، بلکه جامعه می‌خواهد در زمینه‌های مختلف تاریخی، سیاسی، تربیتی و... معلوماتش را بالا ببرد. از این رو تلاش کردند با ترویج شعر و شاعری، کشاندن مردم به سوی فراگیری علوم اهل کتاب و ترویج قصه‌گویی افکار عمومی جامعه را از فراگیری سیره و سنت پیامبر دور سازند.^{۲۵}

پیامد ستیز دستگاه خلافت با سنت پیامبر آن شد که مردم از قرآن و اهل بیت آن حضرت فاصله گرفتند و بر اساس اندیشه حاکمان و دشمنان دین و شاگردان اهل کتاب تربیت شدند. دستگاه خلافت برای محکم کردن پایه‌های حکومت، بر اساس طرحی حساب شده تلاش کرد مسلمانان را از سیره و سنت پیامبر به ویژه اندیشه سیاسی آن حضرت دور سازد و در این راه به موفقیت‌هایی نیز دست پیدا کرد. از این رو، طبیعی است که برخی از مسلمانان، همان‌گونه که بسیاری از احکام ابتدایی دین مانند نماز را نمی‌دانستند،^{۲۶} از جانشینی امام علی - علیه السلام - و فرزندان او نیز بی‌خبر باشند. نیز عجیب نیست که برخی از خاندان پیامبر و اهل بیت ایشان هم در زمره بی‌خبران باشند.

۲. ترویج اندیشه‌های نادرست در باب امامت

پس از شهادت امام حسین - علیه السلام - در میان شیعیان در شیوه مبارزه با دستگاه خلافت، اختلاف اساسی به وجود آمد؛ از یک سو امامان شیعه برای حفظ مکتب تشیع از رویارویی مستقیم با حکومت جائز پرهیز داشتند و کوشیدند احساسات و هیجانات سطحی و زود گذر را مهار کنند تا در سایه آرامش بتوانند معدود شیعیان راستین باقی مانده را برای آینده آیین تشیع حفظ و تربیت نمایند و^{۲۷} از سوی دیگر، گروهی از شیعیان راه و روش قیام را برگزیدند و در عین علاقه مندی به ائمه به شیوه مبارزه آنان با حکومت جور خرده گرفتند و امامت آنان را نپذیرفته، اندیشه کلامی جدیدی را در باره امامت و رهبری مطرح کردند. پذیرش امامت مفضول، انکار نص، شرط قیام مسلحانه برای امام از نتایج

۲۵. رک: همان، ج ۱ ص ۱۸ - ۹۰.

۲۶. رک: همان، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲۷. ثمره دور اندیشی امامان، تربیت شاگردان ممتازی در حوزه‌های فقه، کلام، حدیث و... شد که هر یک نقش بسزایی در انتقال میراث امامت به نسل‌های پس از خود ایفا کردند.

این اندیشه است که زید بن علی و یاران او به آن اعتقاد پیدا کردند.^{۲۸} در کنار گزارش‌هایی که بر عدم پذیرش امامت از سوی زید وجود دارد، گزارش‌های دیگر نشان می‌دهد زید هم با مفهوم امامت آشنا بوده و هم امامت آنان را پذیرفته است. برای نمونه سه گزارش را می‌آوریم.

۱. بر پایه گزارش‌های روایی، زید بن علی یکی از راویان احادیث اثنا عشر است و نام یکایک امامان را برده است.^{۲۹}

۲. زید بن علی هم به امامت امام باقر - علیه السلام - اقرار نموده و هم به امامت امام صادق - علیه السلام - اعتقاد داشته است.^{۳۰}

۳. امام باقر - علیه السلام - هنگام وفات، امام صادق - علیه السلام - را نزد خود فرا خواند و عهد امامت را به او سپرد. زید بن علی - که در آن مجلس حضور داشت - از امام در خواست می‌کند که از باب تمثیل امام حسن و امام حسین - علیهما السلام - امامت را به او دهد. امام باقر در جواب فرمود:

إِنَّ الْأَمَانَاتَ لَيْسَتْ بِالْمِثَالِ وَلَا الْعَهْدُ بِالرَّسْمِ، وَأَنَا هِيَ أُمُورٌ سَابِقَةٌ عَنْ حُجَجِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛^{۳۱}

امانات (امامت) با تمثیل به کسی داده نمی‌شود و نیز رسوم در عهد و پیمان راه ندارد، بلکه آنها اموری هستند که بر حجت‌های الهی سبقت دارند.

گزارش‌های بالا نشان می‌دهد که زید با مفهوم امامت آشنا بوده و جانشینان پیامبر را می‌شناخته و به امامت امام باقر و امام صادق - علیهما السلام - اقرار کرده بود؛ اما خون‌خواهی امام حسین - علیه السلام - در کنار تحقیر و آزار خلیفه اموی نسبت به اهل بیت و اهانت آشکار دستگاه خلافت به پیامبر^{۳۲} باعث شد که زید به نبرد مسلحانه بر ضد حکومت روی آورد^{۳۳} و از این جا بود که امامت در نگاه او دو معنا پیدا کرد.

یک. امامت به معنای پیشوایی در احکام شرعی،

دو. امامت به معنای رهبری شیعیان.

۲۸. رک: فرق الشیعة، ص ۲۱؛ خاستگاه تشیع، ص ۲۶۱.

۲۹. رک: کفایة الاثر، ص ۳۰۴، ص ۳۰۵، ص ۳۱۰، ص ۳۱۱.

۳۰. رک: الامالی للصدوق، ص ۶۳۷؛ کفایة الاثر، ص ۳۰۹ و ص ۳۱۰؛ قرب الاسناد، ص ۳۱۷، ح ۱۲۲۷.

۳۱. کمال الدین، ص ۳۰۷، ح ۱.

۳۲. رک: الإیرشاد، ج ۲، ص ۱۷۲ - ۱۷۴.

بر اساس این نگاه جدید، امام صادق - علیه السلام - در احکام شرعی و به تعبیر زید، در حلال و حرام امام است؛^{۳۳} اما ردای امامت، به معنای رهبری شیعیان، بر قامت کسی استوار است که شمشیر از نیام در آورد و با حکومت جور جهاد کند.^{۳۴}

قیام زید تنها سه روز دوام پیدا کرد.^{۳۵} اما قیام فرزندان او، یحیی و پیروان آنان سالها ادامه یافت. به روشنی نمی توان گفت زید بن علی در پیدایش فرقه زیدیه دخالت مستقیمی داشته است. با این حال، از یک سو قیام زید و ناسازگاری سیره سیاسی وی با سیره ائمه - علیهم السلام - و از سوی دیگر، مناظرات آن جناب با امام باقر - علیه السلام - و امام صادق - علیه السلام - و عدم پذیرش امامت و نصایح خیر خواهانه آنان زمینه مناسبی برای شکل گیری فرقه زیدیه شد.

از آن چه گفته شد، این نتیجه به دست می آید که زید و برخی از پیروان او آگاه به امامت امام باقر و امام صادق - علیهما السلام - بودند، اما احساسات فراگیر برخاسته از شهادت امام حسین - علیه السلام - و ستمگری دستگاه خلافت، آنان را به قیام و داشت و پیروان زید برای تثبیت امامت زید، اندیشه های نادرستی را در باب امامت ارائه کرده، خود و برخی شیعیان را از امامان حقیقی دور ساختند.

۳. طرح دعای مهدویت

اندیشه مهدوی و قیام فردی از خاندان پیامبر همواره در میان مسلمانان مطرح بوده است. این اعتقاد برخاسته از احادیث فراوان پیامبر است. بر اساس گزارش های روایی و نبوی، مهدی - علیه السلام - چهره درخشان عالم هستی است که می تواند انسان ها را از رنج و ستم برهاند و جهان را پر از عدل و داد کند.^{۳۶} پس از حکومت یافتن خلفای غاصب، دستگاه خلافت در طی سالیان متمادی فشارها

۳۳. رک: رجال الکشی، ج ۲، ص ۶۵۲، ش ۶۶۸.

۳۴. مناظره ابو الصباح کنانی با زید شاهد برداشت فوق و تغییر دیدگاه زید است. ابو الصباح کنانی نزد زید بن علی رفت و گفت: شنیدم که گفته ای امامان چهار نفرند که سه نفر آنان درگذشته و چهارمی قائم است. زید سخن ابو الصباح را تأیید کرد. ابو الصباح به او گفت: آیا به یاد داری در مدینه و در زمان حیات امام باقر - علیه السلام - می گفتم: ابو جعفر امام است و اگر برای او حادثه ای رخ داد جانشینی دارد...؟ (رک: رجال الکشی، ج ۲، ص ۶۳۹، ش ۶۵۶).

۳۵. شب چهارشنبه اول صفر قیام کرد و روز جمعه به شهادت رسید (رک: تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۹۹ - ص ۵۰۴).

۳۶. رک: الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۷؛ کمال الدین، ص ۲۸۸، ح ۱؛ الغیبة للطوسی، ص ۱۸۰، ح ۱۳۸؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۳۴۰؛ سنن آبی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۸۳؛ المصنف لابن أبی شیبة، ج ۸، ص ۶۷۸، ح ۱۹۴.

و ستم‌های بسیاری بر شیعیان روا داشت. از این رو، آنان بیشتر از سایر مسلمانان امید و انتظار داشتند «مهدی» قیام کند، بساط عدل بگستراند و آنان را از رنج و ستم آزاد کند.^{۳۷} بر اساس گزارش‌های پر شمار تاریخی و روایی «مهدی» دوازدهمین امام شیعیان و فرزند امام عسکری است^{۳۸} که در نیمه قرن سوم تولد یافت^{۳۹} و پس از غیبتی طولانی ظهور خواهد کرد.^{۴۰} اما موج شدید مهدی‌خواهی در نیمه قرن دوم موجب تطبیق مغرضانه «مهدی» بر برخی از امامان شیعه یا افراد دیگری از خاندان پیامبر شد.

طرح دعای مهدویت باعث شد که بسیاری از شیعیان، به ویژه خاندان اهل بیت، برای رهایی از ظلم و ستم دستگاه خلافت بنی امیه و بنی عباس، در زیر پرچم‌های گوناگون متمهدیان قرا گیرند و از پذیرش امامت اهل بیت سرباز زنند. در چنین اوضاعی ائمه - علیه السلام - تلاش کردند تا با روشنگری شیعیان را از این اشتباه هولناک برهانند. احادیث تحذیر از استعجال در امر فرج،^{۴۱} ترغیب به صبر بر انتظار فرج،^{۴۲} نهی از قیام^{۴۳} و نشانه‌های ظهور^{۴۴} از این رو صادر شده است.

بررسی داستان متمهدیان در زمان حضور امام - علیه السلام - خارج از دامنه این نگارش است، اما برای دریافت پاسخ چرایی مخالفت برخی از کسانی که مخالفت آنان گزارش شده، نگاهی گذرا به دو فرقه از آنان می‌اندازیم:

یک. طرح مهدویت محمد بن عبد الله بن حسن

محمد بن عبد الله، معروف به نفس زکیه در سال صد هجری به دنیا آمد.^{۴۵} وی از نوادگان امام حسن مجتبی - علیه السلام - است. پس از تولد محمد، نزدیکانش به دلیل

۳۷. رک: خاستگاه تشیع، ص ۲۴۰ و ۲۴۱.
۳۸. رک: کمال الدین، ص ۲۴۰، ح ۶۴ و ص ۲۶۱، ح ۷ با سند معتبر و ص ۳۳۳، ح ۱ با سند معتبر؛ معانی الأخبار، ص ۹۰، ح ۴ با سند صحیح؛ الغیبه للطوسی، ص ۱۴۲، ح ۱۰۷.
۳۹. رک: الکافی، ج ۱، ص ۵۱۴؛ الغیبه للطوسی، ص ۲۳۴، ح ۲۰۴؛ کمال الدین، ص ۴۳۰، ح ۴؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۳۳۹.
۴۰. رک: الکافی، ج ۱، ص ۳۴۲، ح ۲۹ با سند معتبر؛ کمال الدین، ص ۴۰۹، ح ۹ با سند معتبر و ص ۳۴۲، ح ۲۴ با سند معتبر و ص ۲۸۷، ح ۴ با اسانید موثق و ص ۲۸۶، ح ۱ با سند معتبر و ص ۳۰۴، ح ۱۶ با سند معتبر؛ الغیبه للطوسی، ص ۳۳۳، ح ۲۷۹.
۴۱. رک: الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۲ و ص ۳۶۹، ح ۷؛ الغیبه للطوسی، ص ۴۲۶، ح ۴۱۳ و ص ۴۵۸، ح ۴۶۹.
۴۲. رک: کمال الدین، ص ۶۴۵، ح ۵؛ قرب الإسناد، ص ۳۸۰، ح ۱۳۴۳.
۴۳. رک: الکافی، ج ۸، ص ۲۹۵، ح ۴۵۲.
۴۴. رک: همان، ج ۸، ص ۲۶۴، ح ۳۸۳ و ص ۲۷۴، ح ۴۱۲؛ الأملی للطوسی، ص ۴۱۲، ح ۹۲۶.
۴۵. رک: مقاتل الطالبیین، ص ۱۶۰.

برخی شباهت‌های ظاهری با مهدی وعده داده شده در سخنان پیامبر، امید داشتند او همان «مهدی موعود» باشد. آنان ادعا کردند احادیثی در باره مهدویت محمد بن عبد الله وجود دارد.^{۴۶}

بروز شورش‌هایی در عراق، حجاز و ایران، در اواخر حکومت بنی امیه فرصتی پدید آورد تا علویان با سازمان‌دهی جدید به جنگ با بنی امیه بشتابند. از این رو، عبد الله بن حسن، پدر نفس زکیه، اجتماعی با حضور بزرگان بنی هاشم در منطقه «ابواء»^{۴۷} تشکیل داد و برای فرزندش محمد بیعت گرفت. در آن جمع، بزرگان بنی عباس نیز حاضر بودند. آنان برای پرهیز از رویارویی با علویان، در ظاهر با محمد بیعت کردند، اما پس از سقوط بنی امیه، بیعت با نفس زکیه را زیر پا نهاده، حکومت را در اختیار خود گرفتند و به جنگ با علویان پرداختند.^{۴۸}

از میان خاندان بنی هاشم، امام صادق - علیه السلام - با امامت و مهدویت محمد بن عبد الله به مخالفت برخاست و با او بیعت نکرد.^{۴۹} احادیث پر شمار نشانه‌های ظهور در این زمان صادر شده است. امام صادق - علیه السلام - با استناد به نشانه‌هایی که پیش از ظهور «مهدی» رخ می‌دهد، تلاش کرد تا به خاندان اهل بیت و شیعیان بفهماند که چون نشانه‌های ظهور محقق نشده، در آستانه ظهور امام مهدی - علیه السلام - قرار ندارند و محمد بن عبد الله، «مهدی موعود» نیست.^{۵۰}

پس از امتناع امام صادق - علیه السلام - از بیعت با محمد بن عبد الله، عبد الله بن حسن آن حضرت را به حسادت متهم کرد.^{۵۱} سخنانی میان امام صادق - علیه السلام - و عبد الله بن حسن رد و بدل شده که شایسته توجه است.

عبد الله از امام صادق می‌پرسد که چرا امامت به فرزندان حسین - علیه السلام - می‌رسد، اما به فرزندان امام حسن - علیه السلام - نمی‌رسد؟ وی خطاب به امام صادق - علیه السلام - گفت: اگر امام حسین - علیه السلام - عدالت می‌ورزید، باید امامت را در

۴۶. رک: همان، ص ۱۵۸ و ص ۱۶۰-۱۶۵.

۴۷. منطقه‌ای بین مدینه و مکه است (رک: معجم البلدان، ج ۱، ص ۷۹).

۴۸. رک: الإرشاد، ج ۲، ص ۱۹۰-۱۹۳؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۶۵ و ۷۶۶، ح ۸۵.

۴۹. رک: الإرشاد، ج ۲، ص ۱۹۰-۱۹۳؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۶۵ و ۷۶۶، ح ۸۵.

۵۰. رک: الأمالی للطوسی، ص ۴۱۲، ح ۹۲۶.

۵۱. رک: الإرشاد، ج ۲، ص ۱۹۲؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۶۶، ح ۸۵؛ المناقب لابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۵۵ و

بزرگ‌ترین فرزند امام حسن - علیه السلام - قرار می‌داد.

امام صادق - علیه السلام - در جواب فرمود: امامت بر اساس وحی الهی و دستور خداوند به اشخاص سپرده می‌شود و اگر امام حسین - علیه السلام - از سوی خداوند فرمان می‌یافت که امامت را به فرزند بزرگ‌تر امام حسن - علیه السلام - بسپارد، بدون شک به فرمان الهی جامه عمل می‌پوشاند؛ اما بر اساس دستور خداوند، امام پس از امام حسین - علیه السلام - فرزند او، یعنی امام زین العابدین - علیه السلام - است.^{۵۲}

سخنان عبد الله بن حسن نشان می‌دهد که او هم با مفهوم امامت آشنا بود و هم می‌دانست که یکی از شرایط امامت، نصّ امام سابق است و هم مصادیق آن را می‌شناخت. با این حال، امامت آنان را نپذیرفت.

محمد بن عبد الله، پس از خروج خاندان بنی عباس از بیعت با او و به دست گرفتن حکومت، برای بار دوم در سال ۱۴۵ هجری بر ضد بنی عباس قیام کرد. قیام نفس زکیه باعث شد که بسیاری از خاندان بنی هاشم، به ویژه سادات حسنی گرداگرد او درآیند و از خاندان امامت فاصله بگیرند. شور و هیجان برخاسته از ظهور مهدی، نفس زکیه و یارانش را چنان مشغول کرده بود که روشنگری‌های امام صادق - علیه السلام - نتوانست آنان را از سراشیبی سقوط برهاند و بر اساس پیش بینی امام صادق - علیه السلام - محمد بن عبد الله در منطقه احجار زیت به دست منصور کشته شد.^{۵۳}

دو. ادعای قائمیت امام کاظم - علیه السلام -

پس از شهادت امام کاظم - علیه السلام - گروهی از شیعیان ادعا کردند که وی زنده و از نظرها پنهان است و به زودی به عنوان مهدی موعود ظهور خواهد کرد.^{۵۴} این گروه - که در اصطلاح فرقه‌ای واقفه نام گرفته‌اند - با انکار رحلت امام کاظم - علیه السلام - از اعتقاد به ادامه سلسله امامت باز ایستادند.^{۵۵} پدیده وقف - که پیش‌تر از سوی امام صادق - علیه السلام - و امام کاظم - علیه السلام - پیش‌بینی و نکوهش شده بود - کشمکش‌هایی میان شیعیان به وجود آورد و مخالفان آنان، برای نشان دادن شدت انزجار خود، بر آنان نام

۵۲. رک: الکافی، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۱۷.

۵۳. رک: الإرشاد، ج ۲، ص ۱۹۲؛ الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۷۶۶، ح ۸۵؛ مقاتل الطالبیین، ص ۱۵۷؛ عمدة الطالب، ص ۱۰۳.

۵۴. رک: فرق الشیعة، ص ۸۰.

۵۵. رک: همان، ص ۸۱.

ممطوره گذاشتند.^{۵۶}

بنیان گذاران این فرقه وکلای امام کاظم - علیه السلام - بودند که در مدت چهارده ساله حبس آن حضرت، اموال فراوانی برای خود جمع کرده بودند. این گروه می دانستند اگر شهادت امام کاظم - علیه السلام - را بپذیرند و به امامت امام رضا - علیه السلام - اعتراف نمایند، باید تمام آن اموال را به دست امام حاضر برسانند. از این رو، با توقف در امامت امام کاظم - علیه السلام - اموال و دارایی های متعلق به جایگاه امامت را نزد خود نگاه داشتند.^{۵۷}

سران واقفه با توسل به حيله انکار در گذشت امام کاظم - علیه السلام - و ادعای قائمیت او توانستند شمار اندکی از شیعیان را - که به آنان اعتماد داشتند - فریب داده و همراه خود سازند. آنان برای تقویت ادعای مهدویت امام کاظم - علیه السلام - از یک سو به روایتی از امام صادق - علیه السلام - درباره قائمیت امام کاظم - علیه السلام - استناد کردند^{۵۸} و از سوی دیگر، احادیثی درباره مهدویت آن حضرت جعل نمودند.^{۵۹} همچنین، با طرح فقدان فرزند پسری برای امام رضا - علیه السلام - با امامت آن حضرت مخالفت کردند.^{۶۰}

در نتیجه این اقدامات، در میان گروه اندکی از شیعیان این گمان قوت گرفت که امام کاظم - علیه السلام - زنده است و نمی میرد و او همان قائمی است که زمین را پس از آکنده شدن از ظلم و ستم از عدل و داد سرشار می کند.

در آن زمان، بسیاری از شیعیان می دانستند ادعای واقفه، ادعایی پوچ و بی اساس است، زیرا عده ای از آنان جسد مطهر امامشان را دیده بودند و در تشییع و خاکسپاری آن حضرت حاضر بودند.^{۶۱} آنان بارها از امام کاظم - علیه السلام - شنیده بودند که آن حضرت

۵۶. رک: همان، ص ۸۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۶۷.

۵۷. رک: رجال الکشی، ج ۲، ص ۷۶۰، ش ۸۷۱ و ص ۷۶۸، ش ۸۹۳؛ الغیبة للطوسی، ص ۶۴، ح ۶۷.

۵۸. رک: قرب الاسناد، ص ۳۳۰، ح ۱۲۲۸؛ الغیبة للطوسی، ص ۴۷، ح ۳۳ و ص ۴۸، ح ۳۴ و ص ۵۲، ح ۴۲.

۵۹. رک: همان، ص ۴۶، ح ۳۰ و ص ۴۸، ح ۳۴ و ص ۳۵ و ص ۴۹، ح ۳۷ و ص ۵۱، ح ۴۰ و ص ۵۲، ح ۴۱ و ص ۵۴، ح ۴۷ و ص ۵۷، ح ۵۱.

۶۰. رک: رجال الکشی، ج ۲، ص ۷۵۹، ش ۸۶۸ و ص ۸۲۸، ش ۱۰۴۴؛ کمال الدین، ص ۲۲۹، ح ۲۵؛ الغیبة للطوسی: ۲۲۴، ح ۱۸۸.

۶۱. رک: الغیبة للطوسی، ص ۲۳، ح ۲، ص ۳، ح ۵ و ۲۴.

امام رضا - علیه السلام - را وصی و امام پس از خود معرفی کرده است.^{۶۲} علی بن ابی حمزه بطائنی - که از سران واقفه به شمار می آمد - پیش از وقف، یکی از احادیث امامت امام رضا - علیه السلام - را گزارش کرده بود.^{۶۳}

امام رضا - علیه السلام - نیز با تفکر و ادعای واقفه به مبارزه برخاست. آن حضرت با صراحت اعلام نمود که به زودی فرزندی به دنیا خواهد آورد. پس از اعلام امام رضا - علیه السلام - امام جواد - علیه السلام - به دنیا آمد.^{۶۴} آن حضرت با کنار گذاشتن تقیه بارها و به صراحت، خود را امام پس از امام کاظم - علیه السلام - معرفی کرد و بارها با سران واقفه بر سر امامت مناظره کرد.^{۶۵}

پس از تلاش و روشنگری امام رضا - علیه السلام - اشخاصی همچون احمد بن محمد بن ابی نصر،^{۶۶} حسن بن علی بن وشاء،^{۶۷} عبد الله بن مغیره^{۶۸} و دیگران از اعتقاد وقف روی برگرداندند و امامت امام رضا - علیه السلام - را پذیرفتند. عده ای دیگری از سران وقف نیز پیش از مرگ از کرده خود پشیمان شدند و وصیت کردند اموال متعلق به جایگاه امامت را به امام رضا - علیه السلام - برسانند.^{۶۹}

ملقب شدن امام کاظم - علیه السلام - به لقب قائم در زمان حیات آن حضرت نیز مطرح بود و باعث شد حسن بن حسن از امام کاظم - علیه السلام - معنای آن را بپرسد. امام کاظم - علیه السلام - در جواب فرمودند:

تمام ائمه در زمان خود قائم به امر امامت هستند تا این امانت را به امام پس از خود بسپارند. و جانشین من فرزندم علی است.^{۷۰}

در نتیجه مبارزات امام رضا با ادعاهای واقفه، پس از مدت کوتاهی اندیشه وقف از

۶۲. رک: الکافی، ج ۱، ص ۲۷۹، ح ۱ و ص ۳۰۸ و ص ۳۰۹ و ص ۳۱۰؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۱۹؛ کمال الدین، ص ۳۳۴، ح ۴ و ص ۶۵۷؛ قرب الاسناد، ص ۳۱۷، ح ۱۲۲۷.

۶۳. رک: کمال الدین، ص ۲۵۸، ح ۳.

۶۴. رک: الکافی، ج ۱، ص ۳۲۱، ح ۷ و ص ۳۵۴، ح ۱۱؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۷.

۶۵. رک: رجال الکشی، ج ۲، ص ۷۲۷ و ص ۷۷۴، ش ۹۰۴ و ص ۷۷۱، ش ۸۹۹ و ص ۷۶۳، ش ۸۸۳.

۶۶. رک: قرب الاسناد، ص ۳۴۹، ح ۱۲۶۰؛ الغیبة للطوسی، ص ۷۱، ح ۷۶.

۶۷. رک: الکافی، ج ۱، ص ۳۵۴، ح ۱۲؛ الغیبة للطوسی، ص ۷۲، ح ۷۷.

۶۸. رک: عیون اخبار الرضا - علیه السلام -، ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۳۱.

۶۹. رک: الغیبة للطوسی، ص ۶۶، ح ۶۹.

۷۰. رک: همان، ص ۴۰، ح ۲۰.

میان رفت و به تاریخ پیوست؛ اما این جریان انحرافی توانست در همان مدت کوتاه حیات خود رخنه‌ای در میان شیعیان به وجود آورد و گروهی از شیعیان را از خاندان امامت دور سازد.

۴. برداشت نادرست از شرایط امامت

امامت در بینش مکتب تشیع در امتداد نبوت قرار دارد و امام کسی است که پس از پیامبر تمام مسؤولیت‌ها و وظایف آن حضرت را بردوش می‌گیرد. بدیهی است که برای مسؤولیت‌های بزرگ، شرایط و معیارهای بیشتر و دقیق‌تری در نظر گرفته می‌شود. بنا بر این، با توجه به اهمیت مسأله امامت و مسؤولیت بسیار سنگینی که بردوش امام قرار دارد، باید شرایط آن نیز سنگین‌تر باشد.

پیامبر و جانشینان پس از او در سخنان فراوانی با هدف عمل به رسالت هدایت امت، به تبیین شرایط و نشانه‌های امام پرداختند تا شیعیان با مد نظر قرار دادن آن بتوانند پس از پیامبر یا امام، جانشین او را شناسایی کنند. از میان شرایط و نشانه‌های امامت چهار ویژگی زیر از اهمیت بیشتری برخوردار است:

۱. **عصمت:** یکی از ویژگی‌های مهم امام عصمت است.^{۷۱} امام باید معصوم باشد تا سخنان و دستورات و رفتارش برای مردم حجت شود. خداوند، بر اساس حکمت، فرمان برداری کسی را که می‌داند بندگان خود را به انحراف می‌کشاند، واجب نمی‌گرداند.^{۷۲} عصمت، ضرورت رهبری یک امام است؛ زیرا مسؤولیت امام در جامعه تبیین مکتب و بیان معارف دین است. بنا بر این، امام نباید کوچک‌ترین انحرافی داشته باشد. امامی که در گفتار و رفتار دچار انحراف می‌شود، شایستگی و توانایی پاسداری از شریعت ندارد.

۲. **برتری علمی:** تبیین و گسترش معارف دین و پاسخ به پرسش‌ها و شبهات از مهم‌ترین رسالت‌های امام است. امام در صورتی می‌تواند به این رسالت به بهترین وجه عمل کند که از دانش بالا و متصل به خزانه علم و حکمت الهی برخوردار باشد. امامی که برخی از احکام و معارف را نمی‌داند یا در برابر پرسش‌ها و شبهات عاجز از پاسخ است، نمی‌تواند جانشین شایسته‌ای برای پیامبر باشد.^{۷۳} بنا بر این، ضروری است امام در دانش دین

۷۱. رک: دانش نامه قرآن و حدیث، ج ۶، ص ۳۵۴.

۷۲. رک: التوحید، ص ۴۰۷، ح ۵؛ الخصال، ص ۱۳۹، ح ۱۵۸.

۷۳. رک: الکافی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۱ و ص ۲۰۲، ح ۱.

سرآمد روزگار خود و همه اعصار باشد.^{۷۴}

۳. **تعیین امام سابق:** بر اساس گزارش های روایی، امامت منصبی الهی است و امام بر اساس شایستگی هایی که دارد، از سوی خداوند انتخاب شده و توسط پیامبر یا امام به مردم معرفی می شود. بنا بر این، یکی از وظایف مهم پیامبر یا امام معرفی جانشین منتخب از سوی خداوند است.

گزارش های تاریخی و روایی نشان می دهد که تلاش دامنه داری از سوی پیامبر - صلی الله علیه و آله - برای شناساندن امامت امام علی - علیه السلام - صورت گرفته است.^{۷۵} پس از رحلت پیامبر نیز امامان - علیهم السلام - با تمام سخت گیری های حکومت از هر موقعیت مناسبی برای معرفی امام جانشین، بهره گرفته اند. بنا بر این، پیروان آنان باید پس از شهادت امام حاضر، بر اساس وصیت امام سابق، به امامت امام جانشین روی آورند.^{۷۶}

۴. **فرزند ارشد امام بودن:** بر اساس حدیثی از امام صادق - علیه السلام - امامت در فرزند بزرگ تر امام سابق استقرار پیدا می کند. عبارت روایت چنین است:

إِنَّ الْأَمْرَ فِي الْكَبِيرِ مَا لَمْ تَكُنْ فِيهِ عَاهَةٌ^{۷۷}

امامت در فرزند بزرگ تر است تا وقتی که در او آفتی نباشد.

تقدم فرزند ارشد، هماهنگ با عرف و عادت مردم است؛ زیرا توده مردم برای فرزند بزرگ تر فضیلت بیشتری قایل است و او را سزاوار تقدم می داند. امام صادق در حدیث یاد شده فرزند بزرگ تر امام بودن را به قید «عدم عاهة» مقید کرده است. برای فهم درست مقصود، لازم است این قید مورد بررسی قرار گیرد.

واژه «عاهة» در لغت به معنای آفت است.^{۷۸} این واژه هم در آفت های جسمی به کار رفته است^{۷۹} و هم در آفت های غیر جسمی.^{۸۰} علامه مجلسی در این باره می گوید:

۷۴. رک: دانش نامه قرآن و حدیث، ج ۶، ص ۳۶۰.

۷۵. رک: دانشنامه امیرالمؤمنین، ج ۱، ص ۵۶۶ - ص ۶۳۴؛ ج ۲، ص ۱۶ - ۴۴۸.

۷۶. رک: الکافی، ج ۱، ص ۲۸۴، ح ۳؛ علل الشرایع، ص ۲۵۴، ح ۹؛ الخصال، ص ۲۰۰، ح ۱۲ و ص ۴۲۸، ح ۵.

۷۷. الکافی، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۶.

۷۸. رک: النهاية فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۳۲۴.

۷۹. رک: الکافی، ج ۲، ص ۱۰، ح ۹؛ کامل الزیارات، ص ۱۰۹؛ الأملی للطوسی، ص ۱۶۵.

۸۰. مانند روایت امام رضا - علیه السلام - : إِيَّاكُمْ وَالْبَخْلَ فَإِنَّهُ عَاهَةٌ (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا - علیه السلام -،

ص ۳۳۸؛ دلائل الإمامة، ص ۷۱).

عاهة أی آفة إِمَا فی بدنه أوفی دینه و علمه؛^{۸۱}

واژه «عاهة» به معنای آفت است یا در بدن او و یا در دین و علم.

بنا بر این، معنای سخن امام صادق - علیه السلام - آن است که امام جانشین، فرزند ارشدی است که هم از سلامت جسمی برخوردار باشد و هم در دین و دانش دچار انحراف نباشد. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که مقصود آن حضرت از قید «عدم عاهة»، افزون بر سلامت جسمی، همان شرایط اصلی امامت، یعنی کفایت علمی و عصمت است.

اما تقدم فرزند ارشد با استناد به روایت و انطباق با عرف و عادت در زمان امام صادق - علیه السلام - به چنان باور قوی تبدیل شد که برخی از یاران امام صادق - علیه السلام - با نادیده گرفتن شرایط و نشانه‌های امامت، به ویژه وصیت و نص امام سابق و نیز فهم نادرست فرمایش آن حضرت، به امامت فرزند بزرگ‌تر آن جناب، یعنی عبد الله گرویدند.

با بررسی کامل گزارش‌های تاریخی که وقایع پیش از ادعای امامت عبد الله و پس از آن را روایت کرده‌اند، در می‌یابیم عبد الله از امامت برادرش با خبر بوده است. منصور بن حازم و یزید بن اسباط دو روایت از امام صادق نقل کرده‌اند که آن حضرت در حضور عبد الله، امام کاظم را به امامت معرفی کرده است.^{۸۲}

اما عبد الله با این که می‌دانست جایگاه امامت به برادرش تعلق گرفته، ادعای امامت می‌کند و هفتاد یا نود روز پس از آن وفات کرد.^{۸۳} امام صادق - علیه السلام - پیش از شهادت، ادعای امامت عبد الله را پیش‌بینی کرده و به امام کاظم - علیه السلام - سفارش نمود با توجه به کوتاهی عمر عبد الله از نزاع با برادرش خودداری کند.^{۸۴}

عبد الله بن جعفر، فرزند بزرگ‌تر امام صادق - علیه السلام - هم در دانش کاستی‌هایی داشت و هم در اعتقاد با پدرش مخالف بود.^{۸۵} و هم سفارشی از سوی امام صادق - علیه السلام - بر امامت او وجود نداشت. بنا بر این، اگر یاران ششمین امام سخنان آن حضرت را در باب شرایط و نشانه‌های امامت مد نظر قرار داده بودند، در دام انحراف گرفتار نمی‌شدند.

۸۱. مرآة العقول، ج ۴، ص ۹۴.

۸۲. رک: الکافی، ج ۱، ص ۳۰۹، ح ۶؛ المناقب لابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۴۳۵.

۸۳. رک: رجال الکشی، ج ۲، ص ۵۲۴، ش ۴۷۲؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۴۲.

۸۴. رک: المناقب لابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۵۱.

۸۵. رک: الإیرشاد، ج ۲، ص ۲۱۰.

پیروان عبد الله اگر از ذکاوت، کیاست و بصیرت برخی از یاران امام صادق - علیه السلام - همچون ابو حمزه ثمالی برخوردار بودند، می توانستند از آخرین وصیت امام صادق - علیه السلام - امام جانشین را بشناسند.

پس از آن که خبر شهادت امام صادق به ابو حمزه داده شد، وی از وصی امام پرسش نمود در جواب به او گفتند امام سه نفر را وصی قرار داده است: ۱. منصور، ۲. عبد الله بن جعفر، ۳. موسی بن جعفر. در این هنگام، ابو حمزه خنده ای می کند و به آورنده خبر می گوید: غمگین مباش امام را شناختم. سپس در توضیح سخن خود می گوید:

اما وصیته الی ابی جعفر المنصور فستر علی الامام، و اما وصیته الی ابنه الاکبر و الاصغر فقد بین عن عوار الاکبر و نص علی الاصغر.^{۸۶}

ابو حمزه در این سخن به نکته بسیار دقیق و ظریفی اشاره کرده است. او می گوید اگر عبد الله وصی و جانشین واقعی امام بود، دیگر ضرورتی نداشت امام صادق - علیه السلام - فرزند کوچک ترش را نیز در میان اوصیا قرار دهد. قرار گرفتن فرزند کوچک تر در میان اوصیا نشان می دهد که وصی واقعی امام صادق - علیه السلام - او است و فرزند بزرگ تر شایستگی امامت ندارد.

کج فهمی، فقدان بصیرت و برداشت نادرست از شرایط و نشانه های امامت دلیل اصلی انحراف پیروان عبد الله بود. آنان با نادیده گرفتن سفارش های پی در پی امام صادق - علیه السلام - بر امامت امام کاظم - علیه السلام -^{۸۷} از عبد الله پیروی کردند.

نتیجه

از آن چه گذشت، روشن شد که شبهه برخی در باره عدم پذیرش امامت از سوی برخی نزدیکان اهل بیت با پاسخ های زیر همراه است.

۱. هیچ ملازمه ای میان عدم پذیرش امامت از سوی اندک یاران و خاندان ائمه با عدم نصوص امامت وجود ندارد. بررسی وقایع تاریخی سه قرن نخست نشان می دهد که دلایل متعددی این جمع اندک را به مخالفت با امامت ائمه کشانده است. وجود احادیث متواتر امامت در منابع نگارش یافته در زمان حضور امام و پذیرش آن از سوی اکثریت مطلق

۸۶. الثاقب فی المناقب، ص ۴۴۱.

۸۷. رک: الکافی، ج ۱، ص ۳۰۸، ح ۱ - ص ۳۱۱، ح ۱۶/الارشاد، ج ۲، ص ۲۱۶ - ۲۲۰.

شیعیان شکی در صدور و تواتر احادیث امامت باقی نمی‌گذارد.

۲. پس از رحلت پیامبر دستگاه خلافت کوشید تا نگذارد اندیشه سیاسی پیامبر در میان مردم رواج پیدا کرده و قطعیت یابد. بنا بر این، نباید باور عمومی نزدیکان امامان - علیهم السلام - به امامت و مصادیق آن را همان باوری دانست که در قرن‌ها پس از آن شکل گرفته است. از این رو، به دور از انتظار نبود که شمار اندکی از نزدیکان اهل بیت یا بی‌خبر از داستان امامت باشند و یا تحت تأثیر تمایلات نفسانی و هیجانات سیاسی قرار گیرند و سفارش‌های پیامبر و جانشینان آنان را در امامت ائمه نادیده بگیرند.

۳. زید بن علی با مفهوم امامت آشنا بود و جانشینان پیامبر را می‌شناخت و به امامت امام باقر و امام صادق - علیهما السلام - اقرار کرده بود؛ اما خون‌خواهی امام حسین - علیه السلام - و تعجیل در امر قیام باعث شد که گمان کند نبرد مسلحانه از بایسته‌های امامت است. از این رو، با فاصله گرفتن از بیت امامت، خود رهبری گروهی از شیعیان را در مبارزه بر ضد حکومت بنی امیه بر عهده گرفت.

۴. برخی از نزدیکان ائمه - علیهم السلام - همچون عبد الله بن حسن و برخی از سران وقف با نصوص امامت آشنا بودند، اما برای رسیدن به قدرت و ثروت از پذیرش امامت، سرباز زدند. آنان برای پیشبرد اهداف نامشروعشان، با استفاده از موج مهدی‌طلبی در آن زمان، محمد بن عبد الله و امام کاظم - علیه السلام - را به عنوان «مهدی موعود» معرفی کردند.

۵. عبد الله بن جعفر نیز نصوص امامت را می‌شناخت، اما به جهت فساد عقیده، خود، ادعای امامت کرد. پیروان او - که از شاگردان برجسته امام صادق - علیه السلام - بودند - با نادیده گرفتن سفارشات پی در پی آن حضرت بر امامت امام کاظم و نیز در نظر نگرفتن شرایط امامت، در گرداب انحراف از مسیر امامت گرفتار شدند؛ هر چند بسیاری از آنان پس از مرگ عبد الله به اشتباه خود پی برده، به دامان امامت بازگشتند.

کتابنامه

- الاحتجاج، شیخ طبرسی، تحقیق: سید محمد باقر خراسان، نجف اشرف: دار النعمان للطباعة والنشر، ۱۳۸۶ق/۱۹۶۶م.
- الإرشاد، شیخ مفید، تحقیق: مؤسسة آل البيت، بیروت: دار المفید للطباعة والنشر و التوزیع، دوم، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.

- الأملی، شیخ صدوق، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية لمؤسسة البعثة، قم: مركز الطباعة والنشر في مؤسسة البعثة، اول، ۱۴۱۷ق.
- الأملی، شیخ طوسی، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية لمؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة للطباعة والنشر والتوزيع، اول، ۱۴۱۴ق.
- الإمامة والنص، فيصل نور، يمن: دار الصديق للنشر والتوزيع، اول، ۱۴۲۵ق/ ۲۰۰۴م.
- انسان شناسی از منظر قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، اول، ۱۳۸۷ش.
- بحار الأنوار، علامة مجلسی، تحقیق: محمد مهدی سید حسن خرسان و محمد باقر بهبودی و سید إبراهيم میانجی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، سوم، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.
- تاریخ الطبری، طبری، تحقیق: نخبة من العلماء الأجلاء، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بی تا.
- التوحيد، شیخ صدوق، تحقیق: سید هاشم حسینی تهرانی، قم: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسة، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.
- الثاقب فی المناقب، ابن حمزة طوسی، تحقیق: نبیل رضا علوان، قم: مؤسسة أنصاریان للطباعة والنشر، دوم، ۱۴۱۲ق.
- جامع بیان العلم وفضله، ابن عبد البر، بیروت: دار الکتب العلمية، ۱۳۹۸ق.
- خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه های شیعی در عصر امامان، علی آقا نوری، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ش.
- الخرائج والجرائح، قطب الدین راوندی، تحقیق: مؤسسة الإمام المهدي، قم: مؤسسة الإمام المهدي، اول، ذی الحجة ۱۴۰۹ق.
- النخصال، شیخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: منشورات جماعة المدرسين، ۱۸ ذی القعدة الحرام ۱۴۰۳ق/ ۱۳۶۲ش.
- رجال الکشی، شیخ طوسی، تحقیق: میر داماد استرآبادی و سید مهدی رجایی، قم: مؤسسة آل البيت - علیهم السلام - لإحياء التراث، بی تا.
- دانش نامه امیر المؤمنین، محمد محمدی ری شهری، سازمان و نشر دار الحدیث، اول، ۱۳۸۶ش.
- دانش نامه قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث،

- اول، ۱۳۹۰ش.
- دلائل الامامة، محمد بن جرير طبري (شيعي)، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية لمؤسسة البعثة، قم: مركز الطباعة والنشر في مؤسسة البعثة، اول، ۱۴۱۳ق.
- سنن أبي داود، ابن اشعث سجستاني، تحقيق: سعيد محمد لحام، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، اول، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م.
- صحيح البخاري، بخاري، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
- الصحيح من سيرة النبي الأعظم (ص)، سيد جعفر مرتضى، بيروت: دار السيرة، چهارم، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م.
- علل الشرائع، شيخ صدوق، تحقيق: سيد محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف: منشورات المكتبة الحيدرية ومطبعتها، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۶م.
- عمدة الطالب، ابن عنبه، تحقيق: محمد حسن آل طالقاني، نجف اشرف: منشورات المطبعة الحيدرية، دوم، ۱۳۸۰ق/۱۹۶۱م.
- عيون أخبار الرضا (ع)، شيخ صدوق، تحقيق: سيد مهدي حسيني لاجوردی، تهران: انتشارات جهان، بی تا.
- الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، بيروت: دار صادر، بی تا.
- الغيبة، الشيخ الطوسي، تحقيق: شيخ عباد الله تهراني و شيخ على احمد ناصح، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، اول، شعبان ۱۴۱۱ق.
- الغيبة، محمد بن إبراهيم نعماني، تحقيق: فارس حسون كريم، أنوار الهدى، اول، ۱۴۲۲ق.
- فرحة الغري، سيد ابن طاووس، تحقيق: سيد تحسين آل شبيب موسوي، مركز الغدير للدراسات الإسلامية، اول، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م.
- فرق الشيعة، حسن بن موسى نوبختي، دار الاضواء، بی تا.
- الفضائل، شاذان بن جبرئيل قمی، نجف اشرف: منشورات المطبعة الحيدرية، ۱۳۸۱ق/۱۹۶۲م.
- الفقه المنسوب الى الامام الرضا، على بن بابويه، تحقيق: مؤسسة آل البيت، مشهد: المؤتمر العالمي للإمام الرضا (ع)، اول، شوال ۱۴۰۶ق.
- قرب الاسناد، حميرى قمی، تحقيق: مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت، اول، ۱۴۱۳ق.
- الكافي، الشيخ الكليني، تحقيق: على أكبر غفاري، تهران: دار الكتب الإسلامية، پنجم،

- ۱۳۶۳ش.
- كامل الزيارات، جعفر بن محمد بن قولويه، تحقيق: شيخ جواد قيومي، مؤسسة نشر الفقه، اول، عيد الغدير ۱۴۱۷ق.
- كتاب الأم، إمام شافعي، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، اول، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.
- الموطأ، إمام مالك، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۵م.
- كفاية الأثر، خزاز قمى، تحقيق: سيد عبد اللطيف حسيني كوهكمري خويى، انتشارات بيدار، ۱۴۰۱ق.
- كمال الدين وتمام النعمة، شيخ صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، محرم الحرام ۱۴۰۵ق/ ۱۳۶۳ش.
- المحاسن، أحمد بن محمد بن خالد برقى، تحقيق: سيد جلال الدين حسيني (محدث)، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۷۰ق/ ۱۳۳۰ش.
- مرآة العقول، علامة مجلسى، تحقيق: رسولى محلاتى، تهران: دار الكتب الإسلامية، سوم، ۱۳۷۰ش.
- مسند ابن حنبل، الإمام احمد بن حنبل، بيروت: دار صادر، بى تا.
- المصنف، ابن أبى شيبة كوفى، تحقيق: سعيد لحام، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، اول، جمادى الآخرة ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م.
- المصنف، عبد الرزاق صنعانى، تحقيق: شيخ محدث حبيب الرحمن أعظمى، بى جا، بى تا.
- معانى الأخبار، شيخ صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ۱۳۷۹ق/ ۱۳۳۸ش.
- معجم البلدان، حموى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۳۹۹ق/ ۱۹۷۹م.
- مقاتل الطالبين، ابو الفرج اصفهانى، تحقيق: كاظم المظفر، نجف أشرف: منشورات المكتبة الحيدرية ومطبعتها، دوم، ۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۵م.
- المناقب لابن شهر آشوب، ابن شهر آشوب، تحقيق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، النجف الأشرف: المكتبة الحيدرية، ۱۳۷۶ق/ ۱۹۵۶م.
- من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، دوم، بى تا.

- النهاية في غريب الحديث، ابن اثير، تحقيق: طاهر احمد زاوي و محمود محمد طناحي، قم: مؤسسة إسماعيليان للطباعة والنشر والتوزيع، چهارم، ۱۳۶۴ ش.
- نهج البلاغة، سيد رضی، تحقيق: شيخ محمد عبده، قم: دار الذخائر، اول، ۱۴۱۲ ق/ ۱۳۷۰ ش.

